



پارِ مہربان

درس دہم



درست و نادرست



۱ شما مرا دوست دارید و برای اینکه کثیف نشوم، من را جلد می کنید. ✓

۲ شما همیشه از من خسته می شوید و به پدر و مادرتان شکایت می کنید. ✗

درک مطلب



وقتی همراه کتابم به جاهای مختلف می روم، مثل این است که من کتاب را به سفر می برم.
هنگامی که کتاب می خوانم، در این حالت کتاب مرا به سفر می برد.

۱ چه زمانی تو کتاب را به سفر می ببری و کتاب کی تو را به سفر می برد؟

۲ آیا کتاب فارسی خود را دوست داری؟ چرا؟ بله، چون با خواندن کتاب فارسی چیزهای زیادی یاد گرفته ام.

۳ بهترین وقت برای اینکه کتاب از حال ما با خبر شود، چه زمانی است؟

بند اول (اکنون که چند ماهی از دوستی ما گذشته است، شما را بهتر شناخته‌ام. می‌دانم که اغلب شما، مرا خیلی دوست دارید، چون از همان روز اول، لباس نو و زیبایی بر تن من کرده‌اید و خیلی مراقب هستید تا در باد و باران نم‌انم یا بعضی از کودکان، به من آسیبی نرسانند.)

بند دوم (از اینکه شما هر روز مرا توی کیف‌تان می‌گذارید و به مدرسه می‌برید، لذت می‌برم و از شما تشکر می‌کنم.)

بند سوم (راستش بهترین وقت برای من، آن لحظه‌ای است که مرا در آغوش می‌گیرید و به قلب‌تان نزدیک می‌کنید. در چنان لحظه‌هایی است که گرمای وجود شما را حس می‌کنم. ضربان قلب شما، نغمه‌ی زیبا و قشنگی دارد. من با شنیدن تپش قلب کوچولو و مهربان شما، از حالتان باخبر می‌شوم.)



بند چهارم (حتماً تاکنون پی برده‌اید که من هم مانند شما هستم و همیشه یک شکل نیستم. من فقط یک حرف برای گفتن ندارم؛ گاهی برایتان شعر می‌خوانم، گاهی داستان می‌گویم و بعضی وقت‌ها هم چیزهایی از شما می‌پرسم. این کار را برای این انجام می‌دهم که بدانم خوب متوجه حرف‌های من شده‌اید یا نه.)

بند پنجم (می‌دانم که گاهی بعضی از شما، از دست من، خسته و آزرده می‌شوید و نزد پدر و مادرتان از من شکایت می‌کنید؛ اما حقیقت این است که من و شما با هم دوست هستیم؛ دوستانی مهربان.)

بند ششم (از اینکه می‌بینم شما هر روز همراه من، بزرگ‌تر و باسوادتر می‌شوید، خیلی خوش‌حالم. من هرگز نمی‌خواهم شما را ناراحت کنم؛ ولی بعضی وقت‌ها شما کارهایی می‌کنید که دوست ندارم. مثلاً یک روز یکی از بچه‌های همین کلاس، نمی‌دانم از چه چیزی ناراحت بود که مشتی بر من کوبید و مرا به گوشه‌ای پرت کرد؛ تا مدت‌ها دلم درد می‌کرد.)

بند هفتم (خلاصه، دوستان عزیز! ما همراهانی هستیم که با هم به سفرهای خیالی می‌رویم. وقتی مرا می‌خوانید، خود را به شما نزدیک‌تر می‌بینم و دوستی ما، بیشتر می‌شود. در این حالت است که من شما را بر دوش خودم سوار می‌کنم و به سفر می‌برم و با آدم‌ها و جاهای مختلف آشنا می‌کنم.)

«کتاب را که باز می‌کنی
دو بال یک پرنده را گشوده‌ای
پرنده‌ای که از زمین
تو را به شهرهای دور
تو را به باغ‌های نور می‌برد.»





به جمله‌های زیر توجه کن.

■ دانش‌آموز توانمند، یعنی دانش‌آموزی که توانایی دارد.

■ رفتار ارزشمند، یعنی رفتاری که ارزش دارد.

حالا تو بگو:

■ دختر هنرمند، یعنی **دختری که هنر زیادی دارد.**

■ انسان **ثروتمند**، یعنی انسانی که ثروت دارد.



به مثال‌های زیر دقت کن و در مورد آن‌ها با دوستانت گفت‌وگو کن.

رفت ← علی رفت.
 دوید ← علی دوید.
 آمد ← علی آمد.

نشانه ی مفعول

نوشت ← نرگس قصه را نوشت.
 خواند ← نرگس قصه را خواند.
 شنید ← نرگس قصه را شنید.

حالا تو بگو:

نشانه ی مفعول

خورد مریم غذا را خورد.
 آورد مریم غذا را آورد.
 پخت مریم غذا را پخت.

پارِ مہربان

درس دہم



نگارش

دور کلمه‌هایی که با «مند» ترکیب درستی ساخته‌اند، خط بکش. ۳

سودمند - دریامند - توانمند - خطرمند - ارزشمند - هنرمند - شادمند - ثروتمند





۱ با توجه به متن، جاهای خالی را با کلمه‌های مناسب پر کن.

بهترین وقت برای من آن لحظه‌ای است که مرا در آغوش می‌گیرید. ضربان قلب شما، نغمه‌ی زیبا و قشنگی دارد. من با شنیدن تپش قلب کوچولو و مهربان شما از حالتان باخبر می‌شوم.

۲ ده کلمه‌ی جدید از متن درس انتخاب کن. سپس آن‌ها را به ترتیب حروف الفبا بنویس.

.....

.....

.....